



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۳

۲۷ آبان ماه ۱۳۵۳

اخبار

* تبریز: پخش اعلامیه به مناسبت نزدیک شدن ۱۶ آذر، روز دانشجو

در ۱۶ آذر هر سال دانشجویان سراسر ایران، خاطره ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ را با اعتصابات و تظاهرات خویش گرامی می‌دارند و به همین مناسبت اعلامیه‌ها و تراکت‌های مختلفی در دانشگاه‌ها پخش می‌شود. و ما در ذیل اعلامیه‌ای را که در اوایل آذر امسال در دانشگاه تبریز پخش شده است نقل می‌کنیم:

دانشجویان آگاه و مبارز!

روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲، سه تن از دانشجویان مبارز، رضوی، قندچی، بزرگ نیا، در جریان اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران به مسافرت نیکسون جنایتکار به ایران توسط عمال شاه نوکرسافت به رگبار مسلسل بسته شده به شهادت رسیدند تا خون پاکشان نهال انقلاب آزادی‌بخش ایران را آبیاری کند. بدین جهت امسال نیز چون سال‌های گذشته ما تظاهرات پرشور خود را بخاطر بزرگداشت یاد شهدای ۱۶ آذر و بخاطر اعتراض به وحشی‌گری‌های رژیم خائن پهلوی، هر چه پرطنین‌تر به گوش خلق خواهیم رساند.

ما این تظاهرات را با عمق و وسعت بیشتری نسبت به سال‌های گذشته به میان توده مردم خواهیم کشاند. زیرا رشد و توسعه و تکامل هر جنبشی در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که از پشتیبانی خلق برخوردار بوده و در جهت خواسته‌های آنان باشد. در ضمن ما در روز ۱۶ آذر، حمایت و پشتیبانی خود را از اعتصابات حق‌طلبانه کارگران سراسر ایران و جنبش مسلحانه خلق ایران و همچنین جنبش چریکی خلق کبیر لرستان اعلام خواهیم نمود. به همین مناسبت از کلیه دانشجویان مبارز دعوت می‌شود که صفوف خود را متشکل‌تر نموده و خود را برای بزرگداشت این روز بزرگ آماده نمایند.

درد بر شهدای قهرمان ۱۶ آذر

هرچه گسترده‌تر باد جنبش دانشجویی دانشگاه‌های ایران

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با پیشتازان مسلح خلق

مرگ بر دیکتاتوری رژیم فاسد پهلوی

* شهادت دانشجو حمید خلیلی:

در واقعه ختم دانشجویانی که در هنگام کوهنوردی کشته شده بودند عده‌ای از دانشجویان در پایان ختم چند شعار سیاسی می‌دهند. پاسبان کثیفی با آنها مواجه می‌شود دانشجویان که از ارگ تا حسن‌آباد آمده بودند به پاسبان می‌گویند ما با تو کاری نداریم و به دشمن مردم ناسزا می‌گوئیم. او هم کلت کمری خودش را درآورده و یکی از دانشجویان دانشکده علم و صنعت (هنرهای عالی نارمک) را بنام حمید خلیلی می‌کشد. فردا نیز در ختم دیگری که به مناسبت همان واقعه کوهنوردان تشکیل شده بود درب مسجد را می‌بندند و کماندوهای شهربانی وارد مسجد شده و تا آنجا که می‌توانستند دانشجویان را کتک می‌زنند و عده‌ای را هم می‌گیرند و می‌برند. به همین مناسبت دانشکده علم و صنعت از چهارشنبه گذشته که واقعه اتفاق افتاد تا یکی دو روز بعدش بسته بود و

دانشجویان تمام شیشه‌های ساختمان‌ها را خرد کردند و اکنون نیز زیر سرنیزه امتحان می‌دهند. دانشجویان فنی نیز به دفتر رئیس دانشکده رفتند و بعنوان اعتراض تمام اشیاء اطاق را خرد کردند و فعلاً قرار شده است تا ۱۵ بهمن دانشکده فنی تعطیل باشد.

گفته می‌شود يك دانشجو از دانشکده علوم دانشگاه تهران کشته شده است و این در جریان تظاهرات به عنوان اعتراض به کشتن حمید خلیلی بوده است.

در جریان اعتصابات دانشگاه صنعتی (عاری از مهر) يك استاد كتك خورد و استادان يك روز اعتصاب کردند. می‌گویند که چهار دانشجو کشته شده‌اند.

* فعالیت‌های دانشجویی در هند

اولین شماره «قیام» ارگان محصلین و دانشجویان ایرانی مقیم هند اخیراً بدست ما رسیده است. این نشریه در چهار صفحه چاپ شده است و شامل سرمقاله‌ای تحت عنوان سخنی با خوانندگان - سرودی از مجاهدین بنام «قم» پیامی از حضرت آیت‌الله خمینی و اخبار است.

* شهادت آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری (آذرشهری)

تهران سوم بهمن ۵۳ - آقای حاج شیخ حسین غفاری آذرشهری، امام مسجد تهران‌نو که شش ماه قبل به جرم داشتن برخی نشریات سیاسی و رساله و فتاوی‌های امام خمینی دستگیر شده بود، پس از آنکه زیر شکنجه شهید می‌گردد جنازه‌اش را برای دفن به قم می‌فرستند. هنگامی که جسد کفن‌پوشیده ایشان را به خانواده‌اش نشان می‌دهند مأمورین ساواک ادعا می‌کنند که آیت‌الله غفاری در زندان سخته کرده است. اما خانمش با گریه و زاری و به عنوان اینکه شاید جسد شوهرش نباشد آنها را مجبور می‌سازد که کفن را باز کنند. جسدی می‌یابند غرقه به خون، كتك‌خورده و متلاشی‌شده.

گفته شده است که در جریان شکنجه، پاهای این پیرمرد ۶۰ ساله را در روغن زیتون در حال جوشش قرار داده بودند بطوری که گوشت‌هایش ذوب شده و همچنین ضربه‌های محکمی بر مغزش زده بوده‌اند که موجبات خونریزی و شهادت او را فراهم می‌سازد. از شهید آیت‌الله غفاری دو تن از پسرانش نیز در زندان هستند.

پس از انتشار خبر شهادت آیت‌الله غفاری، حوزه علمیه قم تعطیل و مجالس ختم و فاتحه برگزار می‌گردد. پس از فاتحه طلاب و مردم غیور قم دست به تظاهرات وسیعی می‌زنند که طی آن قریب ۲۵۰ نفر دستگیر می‌شوند. در این تظاهرات شعارها عبارت بود از: غفاری ما کشته شد - در کنج زندان کشته شد - بخون خود آغشته شد - درود بر خمینی - سلام بر خمینی - مرگ بر استعمار.

به مناسبت شهادت آیت‌الله غفاری اعلامیه‌ای از طرف روحانیون مبارز گروه (۱۵ خرداد) انتشار یافته است که در زیر قسمت‌هایی از آن آورده می‌شود:

شهادت جانگداز و جانکاه این پیرمرد موحی از خشم و نفرت در میان تمام طبقات بوجود آورد. به طوری که دانشجویان دانشگاه‌های تهران، اصفهان، شیراز، و مشهد برای همدردی با حوزه‌های علمیه قم تظاهرات وسیعی تدارك دیدند. در این اعتصاب دانشکده ادبیات تهران مرکزیت داشت دانشجویان عکس منحوس شاه را از دیوار پائین کشیده پاره کردند، گلدان‌ها و جام‌های دانشکده را شکستند. لازم به یادآوریست که اساتید این دانشکده نیز با دانشجویان همراه و همگام بودند و این دانشکده از طرف رژیم شاه منحل اعلام گردید، و عده زیادی از دانشجویان در این تظاهرات دستگیر گردیدند که تعداد دقیق ایشان هنوز بدست ما نرسیده است و از طرف دیگر در اکثر مساجد تهران و سایر شهرستان‌ها اعلام فاتحه و عزای گردید و مردم با شور و هیجان و روح انقلابی در این مجالس شرکت کرده و هیچ مجلسی منعقد نمی‌شود مگر اینکه چند نفر دستگیر می‌شوند.

باید دانست این اولین و آخرین افتخار روحانیت نیست که در راه تحقق‌بخشیدن آرمان‌های اسلامی و بدست آوردن آزادی و استقلال نصیب می‌شود بلکه رژیم ننگین پهلوی ده‌ها گل از گلزار روحانیت چیده و پرپر کرده است. يك روز مرحوم آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی را با فجیع‌ترین شکنجه‌ها مثله می‌کنند و امروز پیرمرد مبارز حجت‌الاسلام غفاری را با سوختن و ضربه‌های مغزی به شهادت می‌رساند و... و مادام که این دودمان ننگین بر سر کارند این شهادت‌ها تکرار خواهد شد.

ما این مصیبت عظمی را به ساحت حضرت ولی عصر امام زمان علیه‌السلام و روحانیت بویژه حضرت آیت‌الله العظمی خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان تسلیت می‌گوئیم و قطع‌دست جنایت‌پیشه دودمان پهلوی را از پیشگاه خداوند متعال خواهیم.

* زنجان - خلیل رفیعی، خواربارفروش زنجان، در اواخر خردادماه گذشته در این شهر با گرد دبدت خودکشی کرد. خلیل رفیعی خواربارفروش بعلت شدت فشارها و ستم‌های رژیم دست به چنین کاری زد. او سرپرست يك خانواده هفت نفری بود و با تلاش و زحمت فراوان این خانواده را اداره می‌کرد. او یکی از هزاران کاسب خرده‌پایی بود که ستم سرمایه‌داران و فشارهای رژیم را بخوبی لمس می‌کرد. ظلم و ستم‌های اطاق اصناف رژیم تحت عنوان مبارزه با گرانفروشی کارد را به استخوان او رسانیده بود. در جریان بحران ساختگی قندوشکر که رژیم آنرا ناشی از احتکار کسبه اعلام کرد، خلیل که به زحمت مخارج خوراك روزانه خانواده‌اش را تأمین می‌کرد، ۱۲۰۰ تومان بناحق جریمه کردند. چندی پس از آن مجدداً ۵۰۰ تومان از او بعنوان جریمه اخاذی نمودند. خلیل رفیعی که فشار جنایت‌ها و بی‌عدالتی‌های رژیم کارد را به استخوانش رسانده بود شب‌هنگام در مغازه‌اش دست به خودکشی زد. علت این عمل او بر هیچ‌يك از آشنایان و نزدیکان رنج کشیده‌اش پوشیده نبود. لذا مجلس یادبود او با شکوه فراوان و استقبال گروه کثیری از مردم زحمتکش زنجان انجام شد. و شرکت‌کنندگان عموماً درباره سختی تحمل فشارهای اقتصادی رژیم صحبت می‌کردند.

* تهران - تعداد زیادی از تکنسین‌های راه‌آهن که بعد از سال ۴۰ در راه‌آهن استخدام شده‌اند و دارای مدارك تحصیلی سیکل تا دیپلم بوده، معمولاً يك دوره کارآموزی دوساله در راه‌آهن تهران و یا خارج کشور دیده‌اند، بارها بعنوان اعتراض به کمبود میزان حقوق خویش و بدی غیرقابل شرایط زندگیشان دست به اعتصاب زده‌اند. اما علی‌رغم همه این کوشش‌ها تاکنون هیچ‌گونه توجهی به خواست‌های عادلانه آنها نشده است.

فشار روانی بد زندگی و مخارج و جو پلیسی حاکم و عدم توجه به آنها در اعتصابات گذشته باعث شده است که بعضی از تکنسین‌ها دست به خودکشی و [؟؟؟؟؟؟؟؟] زده‌اند عبارتند از:

۱- محمد آقاجان‌زاده، اهل زنجان (تکنسین) نامبرده خود را در راه‌آهن تهران با نفت آتش زده و کشته است. مزدوران باصطلاح مسنول راه‌آهن علت مرگ او را ترکیدن کیسول گاز شایع کردند.

۲- در تیرماه گذشته يك تکنسین دیگر بنام نامدار (یا نامداد) خود را به زیر چرخ‌های لوکوموتیو انداخته و کشته است.

۳- تکنسین دیگری نیز که نام او در دست نیست، خود را به زیر چرخ قطار انداخته و کشته است هم‌اکنون کینه و خشمی شدید نسبت به رژیم دشمن در بین تکنسین‌ها وجود دارد.

برنامه تغذیه رایگان رژیم و فرزندان بی‌پناه مردم ما: در مهرماه گذشته در یکی از مدارس جلفای اصفهان که حدود ۸۰۰ دانش‌آموز دارد بعلت فاسدبودن غذا اکثر محصلین مسموم می‌شوند بطوری که تعدادی از آنها را به تهران منتقل می‌کنند. چنان که شایع است چند نفر از مسمومین درگذشته‌اند.

خبرهایی حاکی از تهران و شهرستان‌ها نشان می‌دهد که در بعضی از مدارس دیگر نیز تاکنون تعدادی از دانش‌آموزان مسموم شده‌اند. به همه بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های کرج طی بخشنامه محرمانه‌ای دستور داده شده است که اگر دانش‌آموزان مسموم شده در اثر تغذیه رایگان به بیمارستان مراجعه کردند، بدون سروصدا و سریعاً به معالجه آنها بپردازند. رژیم مزدور که به غارت وسیع منابع ملی و استثمار خلق زحمتکش ما ادامه می‌دهد با کارهایی نظیر تغذیه رایگان می‌خواهد مردم بویژه نوجوانان را راضی نماید در حالی که خلق زحمتکش ما فریب نیرنگ‌های رژیم شاه خائن را نخواهد خورد و تا بدست‌آوردن کامل حقوق و دسترنج خود از پا نخواهد نشست.

* تبریز - توطئه رژیم را در سرپوش‌گذاشتن بر چگونگی کشته شدن نیروهای ایرانی که در عمان کشته می‌شوند، باید افشا کرد: رژیم هراسناک از عدم رضایت خلق ما از اعزام جوانان ایرانی به جنگ تجاوزکارانه برعلیه خلق هم‌زنجیر ما خلق عمان «هرچه بیشتر می‌کوشد تا از فاش شدن محل کشته شدن سربازان و افسران ایرانی که در جنگ تجاوزکارانه ظفار خونشان به هدر می‌رود جلوگیری نماید. افشای این توطئه خائنانه رژیم با آگاهی هرچه بیشتر خلق از ماهیت ضدخلق هدف‌های جنایتکارانه رژیم شاه به نفع اربابان امپریالیسم روشن خواهد کرد. روز اول مهرماه گذشته مراسم یادبودی برای ستوان یکم علی‌اکبر [.....] افسر ارتش در یکی از مساجد تبریز برگزار شد. نامبرده به گفته‌ی افراد مطلع در درگیری با انقلابیون عمان کشته شده است.

* تهران - آموزش دفاع غیرنظامی سرپوشی برای مقابله با فعالیت‌های انقلابی: رژیم از وجود ۱۱ هزار نفری که به آنها «آموزش دفاع غیرنظامی» داده است در حفظ تأسیسات صنعتی و دولتی و مقابله با اقدامات چریکی استفاده می‌کند. در جریان بازی‌های آسیائی تعداد زیادی از این افراد برای حفاظت از تأسیسات برق گماشته شده بودند.

* بلوچستان - در نشریه خبری شماره ۲ در مورد مصادره تعدادی اتومبیل توسط بلوچ‌ها مطالبی درج گردید: در آنجا گفته شد که اگر بلوچ‌ها دست به چنین اقدامی زده‌اند و بعداً نیز در مقابل مأمورین دولتی مقاومت مسلحانه نموده‌اند نشانه وسعت فقر و بی‌چیزی و فشار اقتصادی در آن منطقه می‌باشد. این بلوچ‌ها عمدتاً از طایفه «شهبخش»‌اند که از قدیم با رژیم حاکم و مأموران آن برخورد داشته‌اند. مدتی قبل در طی چهار عمل حدود ۴۰ اتومبیل را متوقف کرده و اموال آنها را مصادره می‌کنند. سه دفعه در راه زاهدان و یک بار در راه خاش این اقدامات صورت گرفته است. پس از این وقایع با فشاری که از تهران وارد می‌شود ژاندارمری منطقه فعالیت وسیعی را آغاز می‌کند. یکی از افرادی که در این طغیان شرکت داشته‌اند «میرزا شمشیر» از سران طایفه «شهبخش» می‌باشد. بلوچ‌ها او را همچون «دادشاه» می‌شناسند. دادشاه شخصی بود که سابقاً با قوای دولت جنگیده و سرانجام با خیانت عده‌ای بلوچ کشته می‌شود. میرزا شمشیر نیز توسط ژاندارم‌ها و به کمک عده‌ای از بلوچ‌های طایفه «ناروئی» که وابسته به دولت هستند کشته شده است. کیهان ۱۳ آبان

مطلبی مزورانه در این مورد از طرف ساواک نوشته است. کیهان نوشته است:

«دو راهزان مسلح تیرباران شدند، دو نفر دیگر به حبس ابد محکوم گردیدند.»

بالاخره در خاتمه می‌گوید:

«یک نفر دیگر بنام میرزا شمشیر که سرهنگ پارسا را کشته بود، در زدو خورد با مأمورین کشته شد.»